فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)

سال ششم، شماره ۱۶، پائیز ۱۳۹۷

ارزیابی جایگاه مولفه‌های حقوق فرهنگی در نظام توسعه فرهنگی کشور

اسماعیل کاوسی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۱۶

چکیده

این پژوهش با هدف ارزیابی جایگاه مولفه‌های حقوق فرهنگی در نظام توسعه فرهنگی کشور انجام شده است. روش تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی بوده، جامعه آماری این تحقیق شامل اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی– واحد تهران شمال می‌باشند که براساس اطلاعات دریافتی حدودا ۲۵۰ نفر برآورد گردیدند. ابزار اندازه‌گیری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته با ۴ بعد اصلی بوده و جهت سنجش متغیرها از طیف ۵ درجه‌ای لیکرت استفاده شده و پس از تایید روایی محتوا توسط خبرگان، میزان روایی سازه محاسبه و ارتباط سوالات و مولفه‌ها تایید شده است؛ همچنین برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده که در این تحقیق مقدار آن برای بعد آزادی فرهنگی ۰/۹۸ ، دسترسی به فرهنگ ۰/۹۷، تساوی حقوق ۰/۹۷ و حق انتخاب هویت ۰/۹۸ شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد، درصد تجمعی، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون t مستقل، تحلیل واریانس یک طرفه و معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل آماری، مشخص نموده که ارتباط معنادار و مستقیمی بین مولفه‌های حقوق فرهنگی و توسعه فرهنگی کشور وجود دارد.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه فرهنگی، حقوق فرهنگی، آزادی فرهنگی، دسترسی به فرهنگ، تساوی حقوق و حق انتخاب هویت

۱. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران؛ ekavousy@gmail.com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

مقدمه

اعلام دهه ۱۹۹۷ ـ ۱۹۸۷ به عنوان دهه توسعه فرهنگی و نیز روز ۲۱ ماه می هر سال به عنوان روز جهانی توسعه فرهنگی از سوی یونسکو خود می‌تواند تا اندازه‌ای گواه بر اهمیت و ضرورت توسعه فرهنگی باشد. امروزه دولت‌های مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که بدون داشتن الگوی توسعه فرهنگی بومی هرگز نمی‌توانند به توسعه پایدار دست یافته و زمینه سعادت و پیشرفت جامعه‌شان را فراهم نمایند. توسعه جریانی چند بعدی است که «مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی مردم، نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است» (سریع‌القلم، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

توسعه فرهنگی«به معنای ارتقا و اعتلای زندگی فرهنگی جامعه و دستیابی به ارزش‌های متعالی فرهنگی است و به عبارتی، افزایش قدرت و کارآمدی یک فرهنگ در پاسخگویی به نیازهای فرهنگی و معنوی و مادی انسانها است» (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۷۵). توسعه فرهنگی روندی پویا، مداوم و همیشگی است که جوامع بشری برای بهبود شرایط زندگی کنونی‌شان و نیز تداوم آن در بلندمدت به آن روی می‌آورند. از دهه ۱۹۷۰ به بعد کشورهای مختلف از توسعه‌یافته گرفته تا کمتر توسعه‌یافته برای رسیدن به این منظور از برنامه‌ها و الگوهای توسعه فرهنگی مختلف که متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی‌شان طراحی کرده بودند در کنار سایر انواع توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و زیست‌محیطی استفاده کرده‌اند، چرا که جامعه بشری به این نتیجه رسیده که رسیدن به اهداف توسعه پایدار تنها در بستر فرهنگ امکان‌پذیر است و توسعه فرهنگی نه تنها می‌تواند روند توسعه را تسریع نماید بلکه ضرورت تحقیق آن نیز به حساب می‌آید.

موضوع حقوق فرهنگی نیز به عنوان شاخه‌ای از حقوق بشر، امروزه به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است. جامعه جهانی امروز دریافته است که رعایت و تضمین این حقوق در بستر احترام به تنوع فرهنگی، زمینه اساسی برای تحقق کامل سایر جنبه‌های حقوق بشر را فراهم می‌سازد اما اهمیت حقوق فرهنگی برای کشورهای در حال توسعه دو چندان است، چرا که این کشورها جهت تقویت گروه‌ها و اجتماعات فرهنگی خود و مشارکت فعال فرهنگی و نیز برقراری ارتباط با سایر فرهنگ‌ها نیاز به شناساندن و رعایت و تضمین این حقوق در جوامع‌شان دارند.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

این پژوهش با فرض اینکه توسعه فرهنگی می‌تواند زمینه و بستر لازم را در جهت رسیدن به توسعه پایدار در جامعه فراهم سازد، ضمن بیان اهمیت توسعه فرهنگی و مؤلفه‌های تأثیرگذار در آن، به دنبال ارزیابی جایگاه مولفه‌های حقوق فرهنگی در نظام توسعه فرهنگی کشور می‌باشد.

۱. حقوق فرهنگی

اصطلاح حقوق فرهنگی[1] نخستین بار در مذاکرات تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ مورد بحث و گفتگو قرار گرفت، در ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ آمده است: «هر کس به عنوان عضو اجتماع حق امنیت اجتماعی دارد و مجاز است به وسیله مساعی ملی و همکاری بین‌المللی، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود را که لازمه رشد و نمو آزادانه شخصیت اوست با رعایت تشکیلات و منابع هر کشور به دست آورد.» در ادامه این اعلامیه به صورت مجزا بر رعایت حقوق فرهنگی افراد در جامعه تاکید شده است: «۱. هر کس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون و هنرها بهره گیرد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد. ۲. هر کس حق دارد از حمایت منافع مادی و معنوی و آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.» (ماده ۲۷، اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸). ترویج و رعایت کامل حقوق فرهنگی، برای پاسداشت کرامت انسانی و حفظ و تعامل مثبت اجتماعی میان افراد و اجتماعات چند فرهنگی از اهمیت حیاتی برخوردار است. همچنین حقوق ابزاری ضروری برای توسعه، صلح و حذف کامل فقر اس و برای ایجاد همبستگی اجتماعی و احترام و درک متقابل میان افراد و گروه‌ها، در عین حفظ تنوع‌های‌شان لازم می‌باشد.

تعریف حقوق فرهنگی با تعریف فرهنگ ارتباط تنگاتنگی دارد یعنی با توجه به تعریفی که از فرهنگ می‌شود می‌توان بر مبنای آن حقوق فرهنگی را تعریف کرد. مبنای حقوق فرهنگی را می‌توان حق بر انجام و بهره‌مندی و دسترسی آزادانه و بدون تبعیض به کالاها و فعالیت‌های فرهنگی، در هر یک از حوزه‌های مختلف یاد شده فرهنگ، از جمله زبان، عقیده، مذهب، هنجارها، ارزش‌ها و سنت‌ها دانست که می‌تواند به صورت فردی، گروهی و یا اجتماعی و به شکل‌های مختلف در قالب ادبیات، هنر، ارتباطات و اطلاعات، موسیقی، زبان، پوشش و مد، شیوه زندگی و ... تجلی یافته و ابراز گردد.

---

1. Cultural Rights

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

با توجه به تعریف فوق و نیز در نظر داشتن ماهیت پیچیده، گسترده و سیالی که فرهنگ دارد بالتبع حقوق فرهنگی نیز از گستره زیادی از جمله حق ابراز و خلق اشکال متنوع مادی و معنوی هنر، ارتباطات و اطلاعات، زبان، هویت، آموزش و پرورش، شیوه زندگی، مشارکت در امور فرهنگی، هدایت فعالیت‌های فرهنگی و دسترسی به میراث فرهنگی، برخوردار خواهد بود.

۲. حقوق فرهنگی در بستر پذیرش تنوع فرهنگی

تنوع فرهنگی، عبارت از شناسایی شیوه‌ها و رسوم اجتماعی مختلف در درون گروه‌های قومی گوناگون است (ابراهیم‌آبادی، ۱۳۸۲) که لازمه نیل به آن در یک جامعه، پذیرش تفاوت‌های فرهنگی است. این امر مستلزم تأکید بر وجوه مشترک فرهنگ‌ها و راه و رسم زندگی، اعتقاد و عمل به تساوی فرصت‌های اجتماعی، آموزش برای همگان، احترام به تعیین سرنوشت هر یک از آحاد مردم توسط خود آنان و پذیرش این واقعیت که به جای برتر دانستن فرهنگی بر فرهنگ دیگر، بر شباهت‌های آن‌ها تأکید شود. بر این اساس، تنوع فرهنگی به معنای وجود الگوها، شیوه‌های عمل و بیان احساس، سبک‌های زندگی و نظام‌های ارزشی متنوع در میان گروه‌های اجتماعی در درون مرزهای جغرافیایی یک کشور است که به گونه‌ای طبیعی با یکدیگر تعامل و هم‌زیستی دارند. چنین ویژگی‌هایی از تنوع فرهنگی است که ارزش‌های اجتماعی، الگوهای رفتاری، مناسبات حقوقی، قانونی و هنجاری متفاوت ایجاد می‌کند و در موقعیت‌های گوناگون زندگی اجتماعی، اعم از روابط خانوادگی و مناسبات مربوط به مالکیت، ازدواج، خرید و فروش، غم و شادی‌ها و غیره ظهور می‌یابد. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲۲-۳۲۱).

با توجه به افزایش تنوع فرهنگی در سراسر جهان، در این قرن شهروندان نیاز به دانش، نگرش و مهارت‌هایی برای عملکرد در جوامع فرهنگی خودشان و هم‌چنین فراتر از مرزهای فرهنگی خود دارند. آن‌ها هم‌چنین باید مایل به مشارکت در ساخت یک فرهنگ ملی و مدنی نیز باشند که اخلاقی و صرفاً اجتماعی است. به عقیده بنکس، فرهنگ و زبان فراگیران از گروه‌های گوناگون فرهنگی در ایالات متحده قبل از جنبش حقوق مدنی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به دلیل غلبه جریان همگون‌ساز تربیت شهروندی، محکوم به استحاله در جریان غالب بودند. بدین ترتیب بسیاری از دانش‌آموزان، فرهنگ، زبان و هویت‌های قومی اصلی خود را از دست داده و در جریان غالب استحاله می‌شدند؛ اما با ورود به هزاره سوم، ارتباطات گسترده، مهاجرت، مسافرت و شبکه‌سازی، امکانات وسیعی برای آزمایش

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

و ابداع شیوه‌های نوین همزیستی پدید آورده و سبب شده تا دنیا با عرصه‌های نوین فرهنگی رویاروی شود. با وجود این، مردم در هر جایی که زندگی کنند، در این مشترکات پهناور جهانی، موقعیتی برای خود دست و پا می‌کنند تا بتوانند پاره‌ای از سنت‌هایشان را حفظ کنند. در همان حال، در خلال مبادلات فرهنگی، ارتباطاتشان را با جهان امروز از نو تعریف می‌کنند. بنابراین شهروندی در عصر جهانی شدن و تنوع فرهنگی ویژگی‌های خاصی را می‌طلبد. آن‌ها مردمی هستند که می‌توانند در محدوده‌های مختلف و با جلوه‌های فرهنگی گوناگون زندگی و سفر کنند و در ضمن با فرآیندهای جهانی همراهی کنند (بنکس، ۲۰۰۴).

۳. نظریه شهروندی فرهنگی؛ تحقق‌بخش حقوق فرهنگی

نظریه‌پردازان اجتماعی حامی تربیت شهروند جهانی، هم اکنون بر این امر تأکید دارند که در بستر تنوع فرهنگی[1] و جهانی شدن کنونی، مسائل حقوق فرهنگی شهروندان به همان میزان حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی اهمیت دارد (استیونسون، ۲۰۰۳: ۷). این نظریه‌پردازان استدلال می‌کنند که شهروندان باید علاوه‌بر حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی از حقوق فرهنگی نیز برخوردار شوند. از این دیدگاه، مفهوم شهروندی فرهنگی در وهله نخست ناظر بر تأمین حقوق فرهنگی است. بنابراین، در سال‌های اخیر نوع جدیدی از شهروندی تحت عنوان «شهروندی فرهنگی» به عنوان نظریه‌های جدید شهروندی مطرح شده است. شهروندی فرهنگی تا حدودی توانسته است کاستی‌ها و خلأهای موجود در نظریه‌های پیشین در مقوله شهروندی مانند نادیده‌گیری مفهوم فرهنگ در رابطه با شهروندان و نیز محدود بودن این مفهوم به گروه‌های خاص و کم‌توجهی به اقلیت‌ها، کودکان و زنان را برطرف کند (ترنر، ۱۹۹۰: ۲۲). این موضوع دقیقاً حس برابری‌طلب در میان اعضایی است که اغلب باعث ایجاد مجموعه‌ای انحصاری از حقوق محفوظ در برابر دیگران، مانند بیگانگان یا خارجی‌ها می‌شود (ترنر ، ۱۹۸۶: ۲۴).

1. Cultural Diversity

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

به طور کلی، نظریه شهروندی فرهنگی ناظر و متکی بر چند واقعیت اجتماعی به شرح زیر است:

۱. شهروندی، «سازه‌ای اجتماعی» است؛ در نتیجه تابعی از بستر اجتماعی و زمینه فرهنگی جامعهٔ خود است؛ از این رو، با توجه به تنوع و تفاوت فرهنگ‌ها، ما با معانی فرهنگی متفاوتی از شهروندی مواجه‌ایم.

۲. شهروندی مفهومی پویاست. از این رو، با توجه به تحولات تکنولوژیک، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، معنا و مفهوم شهروندی نیز دگرگون می‌شود.

۳. شهروندی اگرچه مفهومی اساساً حقوقی و معطوف به حقوق و وظایف شهروندان و رابطه دولت و شهروندان است، اما دارای ابعاد فرهنگی فراسوی این رابطه‌های حقوقی است؛ از این‌رو، نیاز به تعریفی جامع‌تر از شهروندی است تا ابعاد فرهنگی فراسوی رابطه‌های حقوقی را دربرگیرد.

۴. شهروندی دارای «بنیان‌های فرهنگی» است و مجموعه‌ای از ارزش‌های اجتماعی مانند مساوات‌طلبی، آزادی، فردگرایی، مردم سالاری و مسئولیت‌پذیری مدنی و نظام‌های معنایی ایدئولوژیک معین مانند لیبرالیسم آن را حمایت می‌کند.

۵. در کنار حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی، حقوقی نیز به نام حقوق فرهنگی وجود دارد. از این رو، شهروندی فرهنگی در یک بیان واضح، ناظر بر تأمین حقوق فرهنگی شهروندان است.

۶. تحولات چند دهه اخیر در مسیر اهمیت یافتن فرهنگ و فرهنگی شدن عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است؛ از این رو، فرهنگی شدن شهروندی نیز امری اجتناب‌ناپذیر شده است.

۷. شهروندی مقوله‌ای منتزع یا مجزا از «فرهنگ شهروندان» نیست. از این رو، برای داشتن شهروندی فعال، باید مؤلفه‌ها و معنای شهروندی، بر خواسته و با ملاحظه فرهنگ شهروندان باشد نه صرف ملاحظات حقوقی یا تأکید یک سویه بر آرمان‌های ایدئولوژیک.

۸. افراد یا شهروندان علاوه بر نیازهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، مجموعه‌ای از «نیازهای فرهنگی» نیز دارند. نیازهای مربوط به خلاقیت، خودشکوفایی و نیازهای فراغت و لذت از جملهٔ این نیازهاست. مفاهیم شهروندی مدنی، سیاسی و اجتماعی نمی‌تواند همه نیازهای فرهنگی افراد را پوشش دهد (منافی شرف‌آباد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

٤. حقوق فرهنگی در بستر آموزش شهروند فرهنگی

شهروندی فرهنگی، حق و نیاز شهروندان به حفظ تعهد نسبت به فرهنگ ملی و فرهنگ فراملی را به رسمیت شناخته و به آن مشروعیت می‌بخشد. تربیت شهروندی باید به افراد کمک کند تا شناخت روشن و درستی از نقش خود در سطح ملی و جامعه جهانی کسب و درک کنند که چگونگی زندگی آن‌ها در جوامع فرهنگی‌شان، زندگی ملل دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد و چگونه رویدادهای جهانی می‌توانند زندگی روزمره آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند (افتخارزاده،۱۳۸۴). در شهروندی فرهنگی، هویت‌بخشی به افراد مختلف جامعه از جمله مسائل مهم است. مفهوم شهروندی فرهنگی در پی طرد بیگانه‌هراسی از جامعه است، در حالی‌که در برداشت سنتی از مفهوم شهروندی، نوعی بیگانه‌هراسی حاکم است. با توجه به همین نکته است که افراد، حق برابر برای زندگی دریافت می‌کنند؛ به عبارتی، «دیگری» در تعریف سنتی و کلاسیک از شهروندی نفی می‌شود و نوعی ترس و هراس از آن در «خود» شکل می‌گیرد، در حالی‌که در شهروندی فرهنگی، به «دیگری» به عنوان بخشی از جامعه (هرچند متفاوت از گروه‌های مسلط) احترام گذاشته می‌شود و در واقع، جامعه متشکل از «خود»های متکثر و گاه سیالی است که در کنار هم یک کل را (با اهمیت قائل شدن برای تفاوت‌ها) می‌سازند (رضایی و محمدی، ۱۳۹۰: ۵۲).

در حقیقت، در شهروندی فرهنگی، حقوق و وضعیت گروه‌های مختلف، با تقسیم‌بندی‌های جنسیتی، قومی، اشکال زبانی و مذهبی، به رسمت شناخته می‌شود (لئونگ و لی۱، ۲۰۰۶). از این‌رو، می‌توان آن را معادل با مفهوم آموزش به منظور بین فرهنگی بودن توصیف کرد که درک ویژگی‌های مشترک بین فرهنگ‌ها، احترام به شأن انسانی و اقدام برای مشارکت با دیگران را دربرمی‌گیرد (بیرم۲، ۲۰۰۶). بنابراین، حق متفاوت بودن، گفتمان فرهنگی، توجه به فرهنگ‌های بومی و احترام به تفاوت‌های زبانی، عقاید، پوشش و آداب و رسوم ملت‌ها از جمله ویژگی‌های شهروندی فرهنگی است. شهروندی فرهنگی این واقعیت را می‌پذیرد که فرهنگ‌ها متفاوت‌اند و دیگرانی با تفاوت‌هایی از ما وجود دارند که حق دارند باشند. به عبارت دیگر، شهروندی فرهنگی اشاره به حق داشتن تفاوت‌ها یا متفاوت بودن در ارتباط با قومیت، نژاد، زبان بومی و غیره است و به هنجارهای برتر ملی نیز احترام

1. Leung & Lee
2. Bayram

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

گذاشته می‌شود (روسالدو و فلارز۱، ۱۹۹۷: ۵۷). از این منظر، تفاوت‌ها به عنوان یک امتیاز و نه به عنوان تهدید تلقی می‌شود. این پیش‌فرض در جهت‌گیری‌های بازسازگرایان و فمنیست نیز وجود دارد. مقوله شهروندی فرهنگی تأکید بر نقش تضاد و تعارض در شکل‌گیری فرهنگ جدید و اشکال سیاسی جدید دارد (فلارز و بناجر۲، ۱۹۹۷؛ ابویتز و هارنیش۳، ۲۰۰۷).

ایده شهروندی فرهنگی همواره بر این باور نیست که بستر فرهنگی همان بستر ملی است، بلکه ممکن است دعاوی شهروندی فرهنگی در بسترهای فرهنگی متفاوت و در همان زمان ایجاد شوند و پیشرفت کنند. بنابراین، ایده پیشنهادی شهروندی فرهنگی به عنوان شراکت در تدوین بسترهای فرهنگی ممکن است با اقتصاد فرهنگی جهانی مرتبط باشد. در واقع، آرمان شهروندی فرهنگی، که در دست‌یابی به احکام برابر در تمام فرآیندهای ایجاد معنا برای داده، هدایت می‌شود، ممکن است در بسترهای فراملی نظیر بسترهای گوناگون ملی مرتبط باشد. آرمان شهروندی فرهنگی در اینجا موقعیت و جایگاه دشوارتری از نتایج دیگر سنت انتقادی تفکر اجتماعی نظیر دموکراسی و جامعه مدنی یا حقوق بشر نیست. این مفاهیم کلیدی در ابتدای امر در بستر جهانی یافتند. با توجه به سلطه پویایی‌های فرهنگی در فرآیندهای معاصر جهانی شدن، شهروندی فرهنگی به نظر می‌رسد با تفکر درباره اقدام رهایی‌بخش امروزی در ارتباط باشد (بول وان هنسبوگ۴، ۲۰۱۰: ۳۲۸).

در حقیقت، ایده شهروندی فرهنگی، با مباحث مربوط به احترام و رابطه بیشتر مرتبط است. درک فرهنگی شهروندی نه تنها با فرآیندهای رسمی نظیر رأی دادن مربوط می‌شود، بلکه به طور قاطع با مجموعه‌ای از اقدامات فرهنگی که مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند، به حاشیه رانده می‌شوند، فاقد نفوذ و ابتکار و کلیشه‌ای پنداشته می‌شوند و به طور ناملموس تحویل داده می‌شوند نیز، مرتبط است (استیونسون، ۲۰۱۰: ۲۷۶).

۵. شاخص‌های حقوق فرهنگی جهانی

اعلامیه جهانی حقوق فرهنگی فرایبورگ که در ۷ می سال ۲۰۰۷ با شرکت اکثر اعضای یونسکو به تصویب رسید در نوع خود مهم‌ترین سندی بود که برای اولین بار و به صورت جداگانه حقوق فرهنگی

1. Rosaldo & Flores
2. Bennajor
3. Abowitz & Harnish
4. Boele van Hensbroek

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

را به عنوان بخش مهمی از حقوق بشر مشخص و به رسمیت شناخت. این اعلامیه در ۱۲ ماده به تصویب رسید. طبق این اعلامیه، حقوق بشر جهانی غیر قابل تقسیم و به هم پیوسته هستند و حقوق فرهنگی نیز مانند سایر حقوق بشر، پیش‌نیازی برای حفظ کرامت انسانی به شمار می‌آید. نقض حقوق فرهنگی می‌تواند زمینه بروز کشمکش و درگیری‌های مرتبط با هویت را به دنبال داشته باشد که این امر نیز عامل اصلی بروز جنگ‌ها و تروریسم در جهان است. در این اعلامیه همچنین بر اهمیت حیاتی رعایت حقوق فرهنگی به عنوان پیش‌نیاز تحقیق توسعه و تنوع فرهنگی تاکید شده است. اعلامیه حقوق فرهنگی فرایبورگ، رعایت حقوق فرهنگی و احترام به تنوع فرهنگی را از مولفه‌های اصلی در رسیدن به توسعه پایدار معرفی می‌کند. (منافی شرف‌آباد و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

٦. مولفه‌های حقوق فرهنگی در نظام توسعه فرهنگی کشور

۱-٦. آزادی فرهنگی

اولین مجموعه شامل شاخص‌های توسعه منابع انسانی که شامل حقوق فردی و اجتماعی می‌شود و مؤلفه‌های آن عبارتند از: امنیت شخصی، آزادی بیان و اندیشه، تساوی در برابر قانون و حق تصمیم-گیری و انتخاب (فراهانی، ۱۳۸۹: ۳۱۱). «آزادی یعنی توانایی به انجام هر عملی که زیانی را متوجه دیگران نکند، به این ترتیب اعمال حقوق طبیعی هر انسانی تنها با مرزهایی محدود می‌شود که ضامن بهره بردن سایر اعضای جامعه از همین حقوق هستند. تعیین این مرزها تنها به وسیله قانون می‌تواند انجام گیرد» (اعلامیه حقوق بشر فرانسه، ۱۷۹۸)؛ در حالی که تمامی جوامع گرایش به افزایش دامنه آزادی‌ها و کاهش محدودیت دارند باید در طی این فرایند به چند نکته اساسی توجه نمود:

۱ـ فرایند فوق نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن بافت فرهنگی، نظام ارزش‌ها، عقاید، هنجارها و آداب و رسوم جامعه به موفقیت برسد.

۲ـ فرایند جهانی شدن و تهاجم فرهنگی می‌تواند سازوکارهای دموکراسی و آزادی مدنی را تضعیف نماید.

۳ـ محدودسازی و کشیدن خط قرمزها نمی‌تواند برای مقابله با تهاجم فرهنگی موثر و سودمند باشد بلکه تنها با فرهنگ‌سازی، آموزش و حمایت از خلاقیت و نوآوری فرهنگی و فراهم آوردن شرایط انتخاب آزاد برای افراد با این پدیده باید مقابله نمود.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

۴ـ آزادی اندیشه و عقیده در مراحل ابتدایی این فرایند بوده و به تدریج به آزادی عمل و بیان تبدیل می‌شود.

۲-٦. دسترسی به فرهنگ

دسترسی مردم به امکانات و تجهیزات فرهنگی و نیز کالاها و خدمات، به چگونگی توزیع آنها از سوی دستگاه‌های فرهنگی کشور بستگی دارد؛ درحالی که مصرف تولیدات و خدمات فرهنگی وابسته به نیاز مخاطبین است. نیاز مردم به کالاها، محصولات و خدمات فرهنگی گاهی به صورت آشکار (احساس شده) و گاهی به صورت پنهان (احساس نشده) می‌باشد که بایستی از طریق شاخص‌های معینی برآورد گردد.

«بی‌شک غایت اصلی تمام برنامه‌ریزی‌ها، رسیدن به توسعه پایدار، تعادل، توزیع مناسب فعالیت‌ها و استفاده حداکثر از قابلیت‌های محیطی در فرایند توسعه مناطق است. تمرکز شدید جمعیت و فعالیت‌ها در یک یا چند نقطه جغرافیایی، از مشخصه‌های بارز اکثر کشورهای جهان سوم به‌خصوص ایران است. عدم توجه به برنامه‌های بلندمدت و تکیه سیاست‌گذاران به برنامه‌های توسعه سطحی جهت تحقق شعارهای خود، از موانع اصلی توسعه موزون و متوازن کشور است» (زالی، ۱۳۸۳: ۷۳).

لذا وظیفه دستگاههای فرهنگی در فرایند مصرف یا پاسخ‌گویی به نیاز آشکار مردم به صورت توسعه و تجهیز امکانات و خدمات است و پاسخ‌گویی به نیازهای مردم به صورت ترویج فرهنگی و ایجاد زمینه برای مصرف فرهنگی یا ارتقای محتوای فرهنگی می‌باشد.

۳-٦. تساوی حقوق

برخی از نظریه‌پردازان، «احترام به تنوع فرهنگی» را در زمره حقوق فرهنگی می‌دانند. پاکولیسکی[1] (۱۹۹۷) «حقوق فرهنگی را به معنای توجه به حقوق گروه‌های اجتماعی مانند زنان، کودکان، معلولان، اقلیت‌ها، مهاجران و سایر هویت‌های اجتماعی، توصیف می‌کند. او ادامه می‌دهد: حقوق فرهنگی به معنای پذیرش و به رسمیت شناخته شدن حقوق هویت‌ها و گروه‌های اجتماعی بدون وجود مانع در راه بازنمایی این هویت‌ها، به رسمیت شناخته شدن آن‌ها بدون حاشیه‌ای شدن، پذیرش و ادغام در جامعه بدون عادی‌سازی تحریف‌ها و تحقیرهایی است که نسبت به آن‌ها ممکن است صورت گیرد. این

1. Pakuliski

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

دسته از حقوق متفاوت از حقوق مربوط به داشتن نمایندگی سیاسی، رفاه و عدالت اجتماعی، و بیش‌تر معطوف به داشتن حقوق، بازنمایی و اشاعه سبک زندگی و هویت فرهنگی شهروندان است (پاکولیسکی، ۱۹۹۷: ۸۰).

به باور روزالدو (۱۹۹۵) شهروندی فرهنگی ضمن برخورداری از حقوق مشارکت و دیگر حقوق دموکراتیک، برخوردار از «حق متفاوت بودن» است. مفهوم دیگر شهروندی فرهنگی، توجه به عامه مردم و درنظر گرفتن معنایی همه‌شمول از فرهنگ و محدود نکردن آن تنها به فرهنگ نخبگان است. این توجه به معنای عمومی و عامه‌ی فرهنگ، ناشی از رویکرد دموکراتیک غالب در سنت شهروندی است. همان‌طورکه گروسبرگ[1] (۱۹۹۲) اذعان می‌دارد: مفهوم شهروندی وابسته به سنت سیاسی است که درصدد درگیر کردن و بسط مشارکت افراد در شکل دادن قوانین و تصمیمات جامعه است. فقط در دوره‌های مدرن است که این مفهوم شهروندی از مردم تحصیل‌کرده و نخبه به همه اعضای یک ملت و عامه مردم گسترش می‌یابد؛ ضمن آنکه هیچ‌گونه تلاش سیاسی دموکراتیک نمی‌تواند بدون در نظر گفتن قدرت عامه به نحو مؤثری سازماندهی شود (صادقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۲۲-۳۲۱).

۷. اهداف تحقیق

۷-۱. هدف اصلی

شناسایی نقش و جایگاه مولفه‌های حقوق فرهنگی در نظام توسعه فرهنگی کشور

۷-۲. اهداف فرعی

شناسایی نقش و جایگاه مولفه آزادی فرهنگی در نظام توسعه فرهنگی کشور

- شناسایی نقش و جایگاه مولفه دسترسی به فرهنگ در نظام توسعه فرهنگی کشور
- شناسایی نقش و جایگاه مولفه تساوی حقوق در نظام توسعه فرهنگی کشور
- شناسایی نقش و جایگاه مولفه حق انتخاب هویت در نظام توسعه فرهنگی کشور

1. Grossberg

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

۸. روش تحقیق

این پژوهش ویژگی‌های پژوهش بنیادی[1] (پایه‌ای) و پژوهش کاربردی[2] را دارد و به روش توصیفی[3] و از نوع پیمایشی[4] اجرا می‌شود. در این تحقیق، با استفاده از روش مطالعهٔ اسنادی و کتابخانه‌ای جهت تدوین چارچوب نظری تحقیق، به مطالعات انجام شده قبلی مراجعه شده و پس از ارزیابی تحقیقات و نظریه‌های مرتبط با موضوع، به تدوین شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق با ارائه مدل محقق ساخته پرداخته شده است. جامعه آماری این تحقیق شامل اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی– واحد تهران شمال می باشند که براساس اطلاعات دریافتی حدودا ۲۵۰ نفر برآورد گردیدند. ابزار اندازه‌گیری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته با ۴ بعد اصلی بوده و جهت سنجش متغیرها از طیف ۵ درجه‌ای لیکرت استفاده شده است؛ همچنین برای سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده گردیده که در این تحقیق مقدار آن برای بعد آزادی فرهنگی ۰/۹۸ ، دسترسی به فرهنگ ۰/۹۷، تساوی حقوق ۰/۹۷ و حق انتخاب هویت ۰/۹۸ شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی از فراوانی، درصد، درصد تجمعی، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون t مستقل، تحلیل واریانس یک طرفه و معادلات ساختاری استفاده شده است.

1. Fundamektal Research
2.Apphied Research
3.Descriptive Method
4.Survey

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

شاخص‌های عملیاتی	مؤلفه‌ها	
آزادی انتخاب مذهب	**آزادی فرهنگی**	**حقوق فرهنگی**
آزادی در بیان اندیشه		
آزادی در انجام مناسک دینی		
آزادی در آموزش و تحصیل به زبان مادری		
دسترسی به امکانات آموزشی	**دسترسی به فرهنگ**	
دسترسی به امکانات فرهنگی		
دسترسی به کالاها و خدمات فرهنگی		
دسترسی به اطلاعات و ارتباطات		
حقوق برابر برای همگان	**تساوی حقوق**	
حقوق برابر برای اقلیت‌های مذهبی		
حقوق برابر برای زنان		
حقوق برابر برای اقوام		
حس تعلق به ایران(تاریخ، سرزمین، پرچم و ..)	**حق انتخاب هویت**	
حس تعلق به اسلام (قرآن کریم، پیامبر اکرم، ارزش ها و اصول و ..)		
حس تعلق قومی (زبان مادری، سرزمین مادری، تاریخ قومی و پوشش و سنن)		

جدول شماره ۱. مفاهیم (شاخص‌های عملیاتی، مؤلفه‌ها و ابعاد)

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

به منظور تائید ساختار عاملی به دست آمده و آزمون قدرت و معناداری، سهم هریک از متغیرها در مقیاس توسعه فرهنگی، تحلیل‌عاملی تأییدی انجام گرفت که در نمودارهای شماره ۱ و ۲ ارائه شده است.

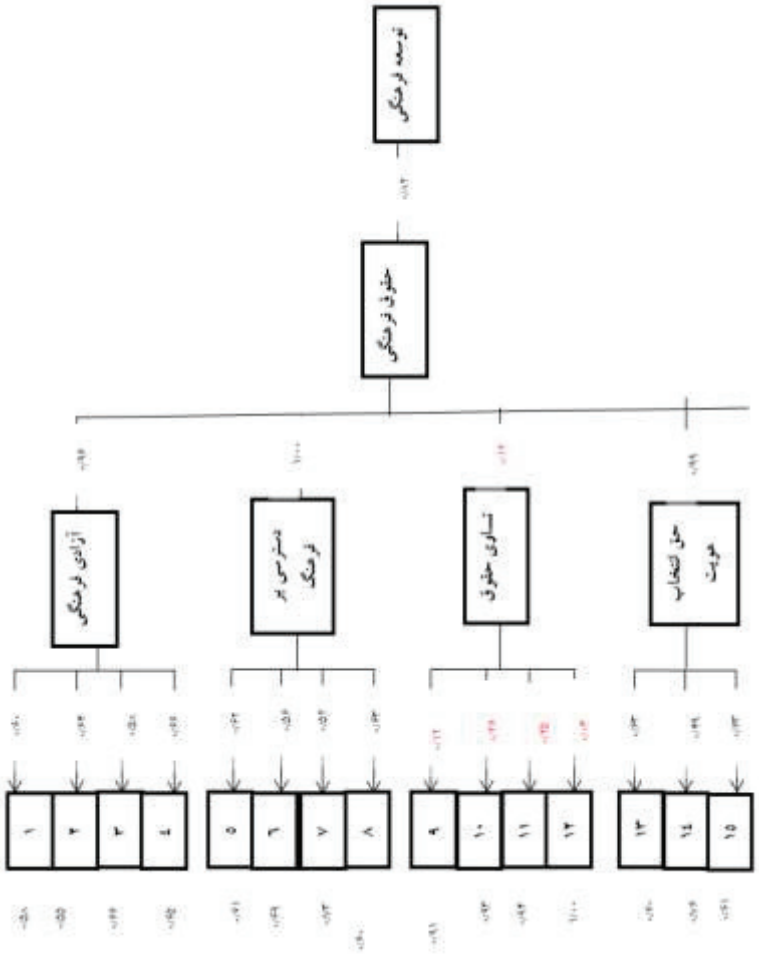

نمودار شماره ۱ : تحلیل عاملی تأئیدی مرتبه دوم متغیر توسعه فرهنگی بر اساس بار عاملی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

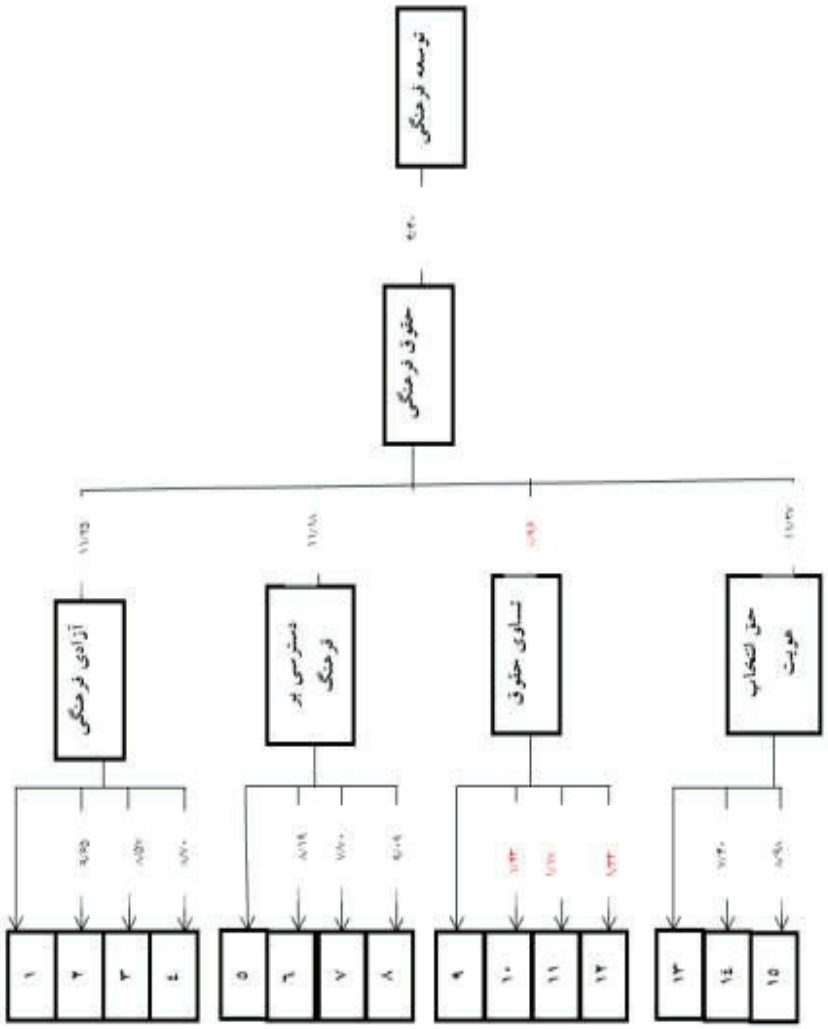

نمودار شماره۲ : تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم متغیر توسعه فرهنگی بر اساس ضریب معناداری

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

۹. مؤلفه‌های مؤثر در سنجش توسعه فرهنگی در ایران

بر اساس یافته‌های تحقیق، قدرت بار عاملی حقوق فرهنگی بر عوامل دسترسی به فرهنگ ۱/۰۰ با ضریب معناداری ۱۱/۱۸ محاسبه گردید که تحلیل عاملی تاییدی نشان می‌دهد کلیه مسیرها با احتمال ۹۵ درصد معنا دار می‌باشند و ضریب معناداری ۱۱/۱۸ نشان‌دهنده رابطه معنادار قوی بین متغیرهاست. دسترسی به امکانات فرهنگی از قبیل کتابخانه‌ها، مراکز تفریحی و سرگرمی، سینماها، فرهنگسراها و غیره ، حق آموزش رایگان و همگانی و دسترسی به امکانات آموزشی در کنار حق دسترسی به اطلاعات، جزء حقوق فرهنگی بنیادین شهروندان است که قانون اساسی کشور بر آن تاکید دارد؛ لیکن لازمه برخورداری از این حق، در دسترس قرار داشتن آن برای همگان از جمله تمامی گروه‌های اجتماعی، فکری، اقلیت‌ها و سایر افراد جامعه می‌باشد. برای تحقق حق دسترسی به امکانات آموزشی، نه تنها باید مراکز آموزشی از لحاظ کمّی و متناسب با نیاز شهروندان و بدون تبعیض در تمام مناطق جامعه مد نظر قرار گیرد بلکه باید کیفیت خدمات ارائه شده نیز لحاظ گردد تا موجبات رسیدن به عدالت آموزشی در جامعه فراهم گردد. دسترسی به امکانات فرهنگی از قبیل کتابخانه‌ها، مراکز تفریحی و سرگرمی، سینماها، فرهنگسراها و غیره نیز از یک طرف می‌تواند نقش به‌سزایی در پرورش استعدادهای افراد جامعه داشته باشد و از طرف دیگر در فراهم کردن زمینه و بستر خلاقیت و نوآوری فرهنگی و نیز جلب مشارکت فرهنگی افراد جامعه مؤثر باشد. حق دسترسی به اطلاعات در زمره حقوق نوظهور فرهنگی بوده که بعد از اعلامیه حقوق فرهنگی فرایبورگ(۲۰۰۷) به صورت رسمی وارد ادبیات فرهنگی گردید. منظور از حق دسترسی به اطلاعات، یعنی آزادی دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و برخی از مؤسسات غیر عمومی است که می‌تواند در توسعه فرهنگی فرد و نیز بهبود شرایط زندگی وی موثر باشد. این حق هم دولت را مکلف می‌کند عین اسناد و اطلاعات را در اختیار متقاضی قرار دهد و هم دولت را مکلف می‌سازد درخصوص برخی اقدامات و تصمیمات و نظرهای خود به شهروندان اطلاع‌رسانی کند.

بر اساس یافته‌های تحقیق، قدرت بار عاملی حقوق فرهنگی بر عوامل تساوی حقوق ۰/۱۲ با ضریب معناداری ۰/۹۶ محاسبه گردید که تحلیل عاملی تاییدی نشان می‌دهد کلیه مسیرها با احتمال ۹۵ درصد معنادار نمی باشند و ضریب معناداری ۰/۹۶ نشان‌دهنده رابطه ضعیف بین متغیرهاست؛ لذا

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

با توجه به قدرت بار عاملی پایین‌تر از ۰/۳ و ضریب معناداری کمتر از ۱/۹۶، مولفه تساوی حقوق از بین مولفه‌های بعد حقوق فرهنگی حذف می‌گردد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، قدرت بار عاملی حقوق فرهنگی بر عوامل آزادی انتخاب هویت ۰/۹۹ با ضریب معناداری ۱۱/۲۷ محاسبه گردید که تحلیل عاملی تاییدی نشان می‌دهد که کلیه مسیرها با احتمال ۹۵ درصد معنادار می باشند و ضریب معناداری ۱۱/۲۷ نشان دهنده رابطه معنادار قوی بین متغیرهاست. حق انتخاب هویت از جمله حقوق بنیادی فرهنگی به حساب می‌آید که در این پژوهش سه شاخص حس تعلق به ایران، حس تعلق به اسلام و حس تعلق قومی تشکیل شده است. هویت فرهنگی بخشی از ویژگی جامعه است که آن را از سایر جوامع متمایز می‌سازد. هویت فرهنگی هسته مرکزی شکل‌گیری شخصیت فردی و جمعی به حساب می‌آید و به مثابه اصول حیاتی زیربنایی بیشتر تقسیم‌های معتبر، رفتار، اعمال و فرایندهایی است که یک جامعه را در رسیدن به توسعه همراهی می‌کند. نقش اساسی هویت در فرایند توسعه جامعه برکسی پوشیده نیست، چرا که با بررسی الگوهای سنجش توسعه فرهنگی و مطالعات انجام شده در کشور و در سطح بین‌المللی همچون یونسکو (۱۹۹۶)، یونسکو(۲۰۱۱)، فرایبورگ(۲۰۰۷)، واربانوا(۲۰۰۷)، امبویومبا(۲۰۰۴)، سوئیس(۲۰۰۳)، شورای عالی انقلاب فرهنگی(۱۳۸۹)، نوابخش و مقتدرزاده(۱۳۹۱)، حبیب پور و غفاری(۱۳۹۰)، بابایی فرد(۱۳۸۹)، آفتاب آذری(۱۳۸۹) و گرجی بندپی(۱۳۹۱) تاثیر این عوامل در روند سنجش توسعه فرهنگی لحاظ شده است. در الگوی سنجش توسعه فرهنگی کشور باید در نظر داشت که مؤلفه‌های مختلفی در تشکیل هویت فرهنگی یک ملت مؤثر هستند که در مجموع می‌توان از عوامل مهمی چون زبان، دیانت، تاریخ و حافظه فرهنگی، جغرافیای فرهنگی و نظام اجتماعی در شکل‌گیری هویت فرهنگی ایرانیان نام برد.

نتیجه‌گیری، بحث و ارائه راهکارها

بر اساس یافته‌های پژوهشی حاضر، و الگوی نهایی سنجش توسعه فرهنگی در کشور ۵ راهکار کلان برای سنجش و ارزیابی توسعه فرهنگی در ایران به صورت زیر ارائه می‌شود:

ـ برخورداری شهروندان از حقوق فرهنگی جزء پیش‌نیازهای اصلی توسعه فرهنگی در کشور است. بدیهی است که هرچقدر میزان برخورداری شهروندان از حقوق فرهنگی بیشتر باشد؛ روند توسعه

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

فرهنگی کشور شتاب بیشتری به خود می‌گیرد. در این راستا اولین عامل که باید مورد ارزیابی قرار گیرد مقوله میزان برخورداری شهروندان از حقوق فرهنگی است. برای ارزیابی و سنجش این مقوله می‌توان از شاخص‌های کیفی و کمّی در کنار هم استفاده نمود.

ـ وجود امکانات و ظرفیت‌های فرهنگی مناسب در جامعه نقش اساسی در شکوفایی استعدادها و توانایی‌های شهروندان و در نتیجه آن توسعه فرهنگی کشور دارد. فراوانی و پراکندگی مناسب امکانات و ظرفیت‌ها در مناطق مختلف کشور، می‌تواند زیرساخت‌های لازم را برای توسعه فرهنگی فراهم سازد؛ لذا برای سنجش توسعه فرهنگی کشور، سنجش مقوله امکانات و ظرفیت‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است. در این راستا می‌توان با بهره‌گیری از شاخص‌های کمّی نسبت به این مهم اقدام نمود.

خلاقیت و تولید فرهنگی که دربرگیرنده کالاها و خدمات فرهنگی می‌باشد از عوامل مهم نشان دهنده پویایی و نشاط فرهنگی و در نتیجه آن توسعه فرهنگی جامعه به حساب می‌آید، لذا سنجش میزان خلاقیت و تولید فرهنگی در الگوی جامع سنجش توسعه فرهنگی کشور از اهمیت بارزی برخوردار است.مدیران وبرنامه‌ریزان فرهنگی می‌توانندبا استفاده از شاخص‌های کمّی و در بازه‌های کوتاه‌مدت نسبت به این مهم اقدام نمایند.

ـ توسعه فرهنگی در هیچ جامعه‌ای بدون جلب مشارکت مردم در امور فرهنگی اتفاق نمی‌افتد، لذا مقوله میزان مشارکت فرهنگی مردم در امور فرهنگی به عنوان یکی از پنج عامل اصلی در الگوی سنجش توسعه فرهنگی کشور ارائه شده است. استفاده همزمان از شاخص‌های کیفی وکّمی برای سنجش میزان مشارکت فرهنگی شهروندان پیشنهاد می‌گردد.

مدیران و دستگاه های فرهنگی کشور باید به این نکته توجه داشته باشند که در تعریف دقیق و شاخص‌های آزادی فرهنگی و تعیین حدود و دامنه آنها مطابق با ارزش‌ها و اصول جامعه و قانون اساسی پیش‌شرط اصلی در سنجش میزان برخورداری شهروندان از آزادی‌های فرهنگی است.

نخستین شاخص در سنجش آزادی فرهنگی شهروندان در جامعه، آزادی انتخاب مذهب می باشد. آیا شهروندان از این حق طبیعی خود تا چه حدی برخوردارند و آیا می‌توانند در انتخاب دین و مذهب خود و یا تغییر آن آزاد باشند و شاخص دوم که در سایه شاخص حق انتخاب مذهب مفهوم پیدا می‌کند؛ حق آزادی در انجام مناسک و فرایض دینی است. آیا شهروندان از هر مذهبی که باشند (البته مذاهب مورد تائید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) می‌توانند با خیال آسوده و در اماکن مذهبی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

خود فرایض دینی خود را آزادانه به‌جا آورند . شاخص سوم مؤلفه آزادی فرهنگی، حق آزادی بیان است. البته باید در سنجش این حق به این نکته مهم توجه داشت که آزادی بیان در هر جامعه ای از یک سری محدودیت‌هایی برخوردار است که قانون اساسی آنها را مشخص می‌سازند؛ لذا باید با توجه به این محدودیت‌ها نسبت به سنجش این شاخص اقدام کرد. آخرین شاخص مؤلفه آزادی فرهنگی، شاخص آزادی در آموزش و تحصیل به زبان مادری است که در کنار آموزش به زبان رسمی کشور مفهوم پیدا می‌کند. اینکه شهروندان تا چه حد می‌توانند در کنار آموزش به زبان رسمی از حق آموزش به زبان مادری خود محروم نباشند؛ می‌تواند در فرایند توسعه فرهنگی افراد موثر باشد. مدیران و برنامه ریزان فرهنگی برای سنجش این شاخص‌ها می‌توانند با مراجعه مستقیم به مردم و به کاربردن روش های تحقیقی کیفی نسبت به این مهم اقدام نمایند.

برای سنجش مؤلفه حق دسترسی به فرهنگ، نخستین و مهم‌ترین شاخص که مدیران و برنامه ریزان فرهنگی باید مورد بررسی قرار دهند حق دسترسی به امکانات آموزشی است. اینکه تمامی شهروندان جامعه از طبقات مختلف و مناطق جغرافیایی مختلف و اقلیت‌های مذهبی و قومی مختلف تا چه حد به امکانات آموزشی دسترسی دارند و اینکه آیا همه آنها از این حق به طور برابر برخوردارند؛ امری بسیار مهم در فرایند توسعه فرهنگی جامعه محسوب می‌شود. شاخص دوم برای سنجش مؤلفه حق دسترسی به فرهنگ، حق دسترسی به امکانات فرهنگی است.

برای سنجش میزان برخورداری شهروندان از حق انتحاب هویت، عوامل مختلفی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در این الگو سه شاخص هویت ملی، هویت دینی و هویت قومی لحاظ گردیده است. حس تعلق به ایران، سرزمین، پرچم، زبان فارسی، اسطوره‌ها و .... اولین شاخص سنجش این مولفه‌ها می‌باشد دومین شاخص، میزان حس تعلق به اسلام (قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص)، ائمه اطهار (ع)، ارزش‌ها و اصول دینی و ...) می‌باشد و اما اخرین شاخص این مولفه، میزان حس تعلق به قومیت (زبان مادری، سرزمین مادری، تاریخ، سنت‌ها و آیین‌های قومی ، پوشش و ...) می‌باشد. برای سنجش این شاخص‌ها می‌توان با مراجعه به مردم در نقاط مختلف کشور و بهره‌گیری از روش‌های تحقیق کیفی نسبت به جمع‌آوری داده‌ها اقدام نمود.

پیشرفت و توسعه اندیشه آدمی و پرورش انسان‌های خلاق و دارای مهارت‌های مختلف که از مهم ترین عوامل رسیدن به توسعه فرهنگی به شمار می‌آید؛ تنها در سایه بهره‌مندی از امکانات آموزشی و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

فرهنگی مختلف در تمامی مناطق کشور امکان‌پذیر است. در سنجش مولفه امکانات فرهنگی، نکته‌ای که پژوهشگر یا مدیر باید به آن توجه نماید اینکه نه تنها باید مدام این مراکز از لحاظ کمّی و چگونگی توزیع در مناطق مختلف مورد بررسی قرار گیرند بلکه با اتخاذ سازوکارهای مناسب باید در بازه‌های زمانی مختلف، کیفیت خدماتی که این مراکز ارائه می‌کنند نیز مورد بررسی قرار گیرند. برای این مهم، اولین شاخص بررسی مراکز آموزش (مدارس، پیش‌دبستانی‌ها، آموزشگاه‌های هنری، دانشگاه‌ها و ...) از لحاظ تعداد و پراکندگی و نیز کیفیت خدمات می‌باشد. سنجش تعداد مراکز فرهنگی مختلف (نمایشگاه‌ها، سالن‌های نمایش، سینماها، استودیوهای فیلم و موسیقی، گالری‌ها، موزه‌ها، هنرکده‌ها و غیره) از لحاظ کمّی و کیفی دومین شاخص این مولفه می‌باشد.

سومین شاخص این گروه، جمع‌آوری اطلاعات کمّی و کیفی در مورد مراکز فرهنگی، تفریحی، سرگرمی و ورزشی (کتابخانه‌ها، پارک‌ها و شهربازی‌ها، ورزشگاه ها و ...) می باشد. چهارمین شاخص این مولفه‌ها، مراکز مذهبی (مساجد ، اماکن زیارتی، کلیساها و ...) می‌باشد.

اولین شاخص برای سنجش مولفه آموزش و نیروی انسانی، مطالعه و تعداد جمعیت با سواد کشور است. درجمع آوری داده‌ها برای این شاخص، تعداد افراد باسواد باید با توجه به ویژگی‌هایی چون سن و جنسیت مورد توجه قرار گیرد. تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان در حال تحصیل دومین شاخص این مولفه می‌باشد. شاخص سوم، مولفه نیروی انسانی و آموزش سنجش تعداد افراد دارای مهارت‌های رسمی خلق آثار فرهنگی و هنری می‌باشد. سنجش تعداد معلمان و اساتید شاغل در مراکز آموزشی و همچنین تعداد اساتید شاغل در مراکز هنری، شاخص پنجم این مولفه و نیز شاخص آخر، سنجش تعداد ورزشکاران که در سطح حرفه‌ای و قهرمانی فعالیت می‌کنند. برای سنجش این شاخص‌ها می‌توان از آمار رسمی نهادها و سازمان‌های دولتی بهره برد.

میراث فرهنگی به سبب نقش خاص که در حفظ و انتقال ارزش‌ها، تقویت هویت فرهنگی جامعه و نیز طراوت و نشاط بخشیدن به جامعه ایفا می‌کند؛ توجه ویژه به شاخص‌های میراث فرهنگی از سوی مدیریت و برنامه‌ریزان فرهنگی می‌طلبد.

برای سنجش مولفه میراث فرهنگی می‌توان با جمع‌آوری داده‌های کمّی در مورد شاخص‌های جشن‌ها و اعیاد (ملی ، مذهبی و محلی)، مراسم (ملی، مذهبی و ملی)، بازی‌ها و ورزش‌های سنتی در مناطق مختلف کشور اقدام کرد. شاخص چهارم این مولفه در مورد تعداد آثار و بناهای تاریخی در

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

مناطقی مختلف است که جزء آثار ثبت شده در یونسکو و سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است.

مولفه کتاب‌های چاپ شده دارای دو شاخص مهم شمارگان کتاب‌های تالیفی در کشور و نیز تعداد و عناوین کتاب‌های چاپ شده در کشور می‌باشد که با استفاده از آمارهای رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که هر ساله تهیه می‌کند به‌راحتی قابل سنجش می‌باشد.

حجم و تعداد کالاهای فرهنگی تولید شده در سطح کشور می‌تواند نماد خوبی برای نشان دادن سطح نشاط فرهنگی و توسعه فرهنگی در جامعه تلقی شود. اولین شاخص برای سنجش مولفه کالاهای فرهنگی خلق شده، بررسی تعداد فیلم‌های سینمایی، تلویزیونی، کوتاه، مستند و سریال و کلیپ‌ها می‌باشد که در سطح کشور با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تولید شده‌اند. سنجش تعداد آلبوم‌های موسیقی دارای مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان دومین شاخص این مقوله مطرح است که می‌تواند با استفاده از آمار رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌راحتی به این مهم دست یافت اما سنجش آثار هنری خلق شده (مانند تابلوهای نقاشی، خطاطی، طراحی، مجسمه، عکس، کاریکاتور و ...) که سومین شاخص این مولفه به حساب می‌آید نیاز به صرف وقت و دقت زیاد دارد؛ چرا که در کشور ایران معمولا این آثار هنری فاقد شناسنامه‌اند و این امر، کار پژوهشگر یا برنامه‌ریز فرهنگی را با مشکل مواجه می‌سازد. با این حال می‌توان با مراجعه به مراکز هنری مانند گالری‌ها، نمایشگاه ها و هنرکده‌ها و نیز خود هنرمندان و استفاده از روش‌های کمّی همچون تهیه پرسشنامه نسبت به این مهم اقدام کرد. اینکه به چه میزان وسایل سرگرمی، ورزشی و اسباب بازی در کشور تولید می‌شود به عنوان شاخص چهارم این مولفه تعیین شده است و آخرین شاخص، میزان تولید صنایع دستی در کشور (قالی‌بافی، جاجیم‌بافی، صنایع دستی چوبی، صنایع دستی فلزی، قلم‌زنی و ....) می باشد که با استفاده از روش‌های جمع آوری داده‌های کمّی و نیز مراجعه به آمار رسمی نهادها و سازمان‌های دولتی قابل سنجش می‌باشد.

مولفه کالاهای فرهنگی مجاز تولید شده در کشور از چهار شاخص مهم تشکیل شده است که تعداد کتاب‌های الکترونیکی مجاز تولید شده اولین شاخص آن می‌باشد دومین شاخص، بررسی تعداد نرم‌افزارهای سرگرمی و آموزشی تولید شده در سطح کشور است. تعداد روزنامه‌ها و مجلات اینترنتی که به صورت رسمی و با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کنند شاخص دیگر این مولفه می‌باشد و اما آخرین شاخص، مولفه کالاهای فرهنگی مجازی تعداد سایت‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی بوده که به صورت

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

رسمی فعالیت می‌کنند. استفاده از روش‌های کمّی جمع‌آوری اطلاعات و نیز بهره‌گیری از آمار رسمی نهادها و سازمان‌های دولتی در این حوزه پیشنهاد می‌شود. توسعه شتابان فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و افزایش گرایش استفاده ازکالاهای فرهنگی مجاز در بین اقشار مختلف مردم سبب شده که امروزه این کالاها از جایگاه مهمی در الگوهای سنجش توسعه فرهنگی برخوردار باشند. برای سنجش مولفه مصرف فرهنگی، اولین شاخص پیشنهادی بررسی میزان تماشای برنامه تلویزیونی و به دست آوردن میانگین زمان صرف در شبانه روز برای این فعالیت از سوی شهروندان است. محاسبه میانگین زمان صرف شده در شبانه روز برای گوش فرا دادن به برنامه‌های رادیویی به عنوان دومین شاخص این مولفه پیشنهاد می‌شود. شاخص دیگر این مولفه، محاسبه میانگین زمان صرف شده در شبانه‌روز برای گوش دادن به موسیقی برای هر یک از شهروندان می‌باشد. میانگین زمان صرف شده در شبانه‌روز برای مطالعه و خواندن کتاب برای هر نفر در جامعه به عنوان چهارمین شاخص مولفه مصرف فرهنگی پیشنهاد می‌گردد. میانگین زمان مصرف شده در طول یک بازه زمانی خاص (هفته ، ماه و یا سال) برای رفتن به سینما و تئاتر شاخص دیگر این مولفه است و آخرین شاخص، میزان استفاده از سایر کالاهای فرهنگی و هنری می‌باشد. باید توجه داشت که سنجش دقیق این مولفه نیاز به استفاده همزمان از داده‌های کمّی و آمار رسمی و نیز داده کیفی و مراجعه به خود شهروندان و بهره‌گیری از روش‌های تحقیق کیفی می‌باشد. تعداد دفعات و زمان صرف شده از سوی شهروندان برای بازدید از موزه‌ها و اماکن تاریخی، اولین شاخص مولفه شرکت در فعالیت‌های فرهنگی است. دومین شاخص مهم این مولفه، شرکت شهروندان در جشنواره‌ها و مراسم فرهنگی رسمی می‌باشد. تعداد دفعات و زمان صرف شده از سوی شهروندان برای بازدید از نمایشگاه‌های فرهنگی و هنری و نیز شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه زیست‌محیطی، شاخص‌های دیگر این مولفه می‌باشد. پژوهشگران و یا برنامه‌ریزان فرهنگی برای سنجش شاخص‌های مولفه شرکت در فعالیت‌های فرهنگی می‌توانند از آمار رسمی موسسات و مراکز فرهنگی (از قبیل میزان بلیط فروخته شده مراکز فرهنگی و آمار بازدید از آن مراکز و ...) استفاده نمایند. البته این داده‌ها زمانی تکمیل و قابل استفاده می‌گردد که با مراجعه به شهروندان و استفاده از ابزار تحقیق پرشسنامه و مصاحبه و یا موارد دیگر اطلاعات جامع در مورد میزان حضور و زمان میانگینی که آنها برای شرکت در فعالیت های فرهنگی مصرف می‌کنند؛ به دست آید.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

احمدی، نیلوفر (۱۳۸۸)؛ «شهروند و حقوق شهروندی»، فصلنامه اقتصاد خانواده، شماره ۲۵، شهریور- مهر.

افتخارزاده، فرهاد (۱۳۸۴)؛ «بررسی چارچوب تربیت شهروندی برای قرن ۲۱»، نشریه همشهری، نمایه کتابخانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

رضایی، احمد و محمدی، نریمان (۱۳۹۰)؛ «هویت، شهروندی فرهنگی و نقش شهرداری ها»، مجموعه مقالات همایش علمی شهرداری به منزله نهاد اجتماعی، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران. جلد چهارم.

روح الامینی، محمود (۱۳۶۸)؛ زمینه فرهنگ شناسی؛ تالیفی در انسان شناسی فرهنگی و مردم شناسی، تهران: انتظارات عطار.

سریع القلم، محمود (۱۳۸۴)؛ ایران و جهانی شدن؛ فرصت ها و چالشها، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹)؛ شاخص‌های راهبردی، ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگی، تهران: کارگروه تدوین شاخص های فرهنگی.

صادقی، رضا (۱۳۸۵)؛ دو هفته نامه مهندسی فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شماره دوم.

صادقی، علیرضا (۱۳۹۱)؛ چندفرهنگی و نسبت آن با آموزش، رشد تکنولوژی آموزشی، شماره ۴، دی، دوره بیست و هشتم، صص۳۷-۳۴.

صالحی امیری، سیدرضا و عظیمی، (۱۳۹۱)؛ مبانی سیاست گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.

صالحی امیری، سیدرضا، (۱۳۸۶)؛ مفاهیم و نظریه های فرهنگی، تهران: انتشارات ققنوس.

فرمهینی‌فراهانی، محسن (۱۳۸۳)؛ پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت، چاپ اول، تهران: آییژ.

فرمهینی‌فراهانی، محسن (۱۳۸۹)؛ تربیت شهروندی، چاپ اول، تهران: آییژ.

فکوهی، ناصر.(۱۳۹۰)؛ توسعه فرهنگی و هویت فرهنگی. روزنامه شرق. شماره ۱۳۰۹. ۲۰.

منافی شرف‌آباد، کاظم؛ زمانی، الهام و علی مهدوی‌خواه، (۱۳۹۳)؛ تربیت شهروند جهانی، تهران: مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.

یونسکو (۱۳۷۶)؛ بعد فرهنگی توسعه به سوی یک رهیافت علمی، ترجمه تیمور محمدی، تهران: سازمان برنامه و بودجه.

یونسکو (۱۳۷۶)؛ فرهنگ و توسعه، رهیافت مردم شناختی توسعه، ترجمه نعمت الله فاضلی و محمد فاضلی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]

یونسکو (۱۳۷۹)؛ «گزارش جهانی فرهنگ» ترجمه هادی غبرایی و دیگران؛ تهران: مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.

ب. منابع انگلیسی

Banks, J.A., (2007). Educating Citizens in a Multicultural Society (2nd ed.), New York: Teachers College Press.

Banks, J.A., (2008). diversity & citizenship education in global times; the sage handbook of education for citizenship and democracy, Los Angeles: Agleles: SAGE.

Boele van Hensbroek, B. (2010). Cultural Citizenship as a Normative Notion for Activist Practices, Citizenship Studies, Vol. 14, No. 3, pp. 317-330.

Byram, M., (2006). Developing a Concepet of Intercultural Citizenship: In G. Alred, M. Byram, and M. Fleming, (Eds.) Education for Intercultural Citizenship: Concepts and Comparisons, Cl evedon: Multilinual Matters.

Delanty, G., (2007). Theorising Citizenship In a Global Age, In Globalizenship And Citizenship: The Trannational Challenge, by Hudson, W. and Slaughter, S., Routledge, Taylor & Francis Group.

Gutman, A., (2004). Unity and diversity in democratic multicultural education: creative and destructive tensions. In J.A.Banks(Ed.). Diversity and citizenship education, Global perspectives (pp.11-66). San Fransisco:Jossey-Bass.

Ladson-Billings, G., (2004). Culture versus citizenship: The challenge of racialized citizenship in the United States. In J. A. Banks (Ed.), Diversity and citizenship education: Global perspectives (pp. 99–126). San Francisco: Jossey-Bass.

Leung, L., (2010). Effects of internet connectedness and information literacy on quality of life. Soc Indic Res, 98. Pp. 273-290. Retrieved 2011/6/23, from: www.springerlink.com.

Luo, L., (2010),.Web 2 /Integrationin In Formation literay Instruction. Academic librarianship 36, pp. 32-40.

Rodolfo, Stavenhagen(2001), cultural Rights: A Social Science Perspective, London, Martinus Puldishers.

Rosaldo, R. & Flores, W.V. (1997). Identity, conflict and evolving latino communities: cultural citizenship in Sanjose, California. Boston: Beacon.

Stevenson, N., (2001). Culture and Citizenship, London, Sage Publication.

Stevenson, N., (2010). Cultural Citizenship Education and Democracy: Redefining The Good Socity, Citizenship Studies, Vol. 14, No.3, pp. 275-291.

Turner, B., (1986). Citizenship and capitalism. The debate over reformism. London: Allen & Unwin.

Turner, B.S., (2001). Outline of a General Theory of Cultural Citizenship, in Nick Stevenson, Culture and Citizenship, London, Sage Publication.

Unesco. (2012). Measuring the Economic Cotribiution of Cultural Industries. Unesco Institute for Statistics, Monreal.

Unesco. (2015). Development Indicators: Seven Connected Dimensions, Access in: htpp// www.unesco.org/new/en/culture/ themes.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-11-25]